

تصویرپردازی از جامعه عدل آینده

در پرتو روایت ثقلین

_____ دکتر علی اصغر پورعزت^۱، میثم علی پور^۲، علی اصغر سعدآبادی^۳ _____

چکیده

فهم و بصیرت، در پرتو هدایت‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام علائمی اصیل دارد که به سعادت رهنمون می‌گردند. دلالت دعای «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ...»، بر ضرورت شناخت امام برای شناخت پیامبر و خداوند، بسیار هشدار دهنده بوده، شناخت امام را مقدمه هدایت و نجات از گمراهی می‌داند. این پژوهش در مقام بیان مسیر ورود مطمئن به آینده‌ای است که قرار است به حاکمیت صالحان بر زمین بینجامد. در این رویکرد، شناخت امام و انتظار او، بر قابلیت پیش‌بینی و شناسایی مسیر، رفتار و آداب حرکت دلالت داشته، منتظر واقعی کسی است که حق امام و آداب حرکت او به سوی ظهور را می‌شناسد. بدین ترتیب، راهبرد ورود به آینده موعود، راهبردی معرفتی مبتنی بر شعور و آگاهی است و حتی می‌توان ادعا کرد که افزایش بلوغ و آگاهی پیروان، موجب کاهش دوران انتظار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آینده‌نگری، حدیث ثقلین، جامعه عدل، امام‌شناسی، پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام.

۱. استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی دکتری خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۳. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری علم و فناوری دانشکده علوم و فنون نوین دانشگاه تهران.

alisadabadi@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰.

مروری بر پیشینه نظری

تحقق جامعه عدل حق مدار، مستلزم حساسیت عناصر اجتماعی به احقاق حقوق خویش است؛ از این رو، تلاش برای توسعه فرهنگ عدالت خواهی و حق گرایی، اقدامی مؤثر در چارچوب استراتژی انتظار فعال تلقی می‌شود؛ انتظار برای نیل به جامعه موعود، جامعه‌ای که به صالحان وعده داده شده است^۱. بر این اساس، عدالت از جمله لوازم حیاتی هر نوع مشارکت اجتماعی است، به طوری که حتی در ضعیف‌ترین تشکلهای انسانی نیز استمرار حضور داوطلبانه افراد، در گرو ادراک آنان از چگونگی و میزان رعایت انصاف و عدالت است. هرچه افراد، رفتار کلی سیستم اجتماعی را عادلانه‌تر بدانند، تعهد آنان به مشارکت برای حفظ و توسعه آن بیشتر می‌شود^۲.

صمدی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور» معتقد است بر اساس آموزه‌های دینی، نباید کارکرد فرهنگی اندیشه انتظار را از کارکردهای سیاسی - اجتماعی آن جدا دانست^۳.

پورعزت (۱۳۸۴) در پژوهش خود با عنوان «تصویرپردازی بصیرت بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران» بر این باور است برای تحقق مختصات تمدن موعود، برانگیختگی عزم ملی برای حرکت به سوی آن ضرورت دارد و آگاهی، ضروری استمرار این حرکت است^۴.

مهاجرنیا (۱۳۸۶) معتقد است بر اساس نظریه امامت، الگوهایی در باب تدبیر حیات سیاسی شکل گرفته است که می‌توان آن‌ها را به سه الگوی جداگانه تفسیر کرد:

۱. پورعزت، علی اصغر، ضرورت توسعه فرهنگ عدالت پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود، «انتظار موعود»، ش ۸، ص ۱۵۳.

۲. همان، ص ۱۵۵.

۳. صمدی، قنبرعلی، «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، مشرق موعود، ش ۱۱، صص ۱۱۷-۱۳۶.

۴. پورعزت، علی اصغر، تصویرپردازی بصیرت بخش از آینده موعود: استراتژی فوق فعال انتظار شهر عدل در ایران، صص ۵۷-۸۲.

۱. الگوی صبر و انتظار؛

۲. الگوی اصلاح و انتظار؛

۳. الگوی حکومت مشروع تمام عیار.

امام خمینی علیه السلام بزرگ‌ترین نماینده فکری الگوی سوم با اشاره به پیش‌فرض و نسبت آن با مقوله انتظار، حکومت اسلامی را مقدمه‌ای برای آماده ساختن جامعه برای ظهور ولی مطلق می‌داند. ایشان با تفسیر صحیح انتظار ظهور امام زمان علیه السلام و معرفی معیارهای منتظران حقیقی در فرهنگ شیعه، به تحلیل‌های غلط درباره انتظار، خط بطلان کشید و انتظار ظهور را استمرار اقتدار اسلام تبیین نمود^۱.

اهمیت توسعه گفتمان انتظار در پرتو معرفت به وعده الهی

وعده الهی برای مؤمنان صالح «استخلاف» آنها در زمین است. برای درک این وعده الهی که در آیه ۵۵ از سوره نور^۲ بیان شده و در منابع تفسیری^۳ با ظهور حجت پیوند خورده است، توجه به مختصات آیه در سوره و سیاق آن، ضروری است. براساس تقسیمات الهی آیات قرآن توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این سوره دارای ۶۴ آیه و ۹ سیاق (رکوع) است و

۱. مهاجرنیا، محسن، گفتمان‌های انتظار، ص ۳۱-۶۰.

۲. «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ * وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجْنَ قُلْ لَا تُفْسِمُوا طَاعَةَ مَعْرُوفَةٍ إِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ بِمَا تَعْمَلُونَ * قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ * وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ * لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا أَوْاهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ».

۳. فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۴۴؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان

فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۲۴۰.

آیه مورد نظر، در رکوع هفتم قرار دارد^۱. ضمن اینکه محدوده این رکوع، از ابتدای آیه ۵۱ تا انتهای آیه ۵۷ است.

با تدبّر در آیات این سیاق، هفت تکرار برای واژگانی از ریشه «ط و ع» به شرح زیر تأمل برانگیز است:

۱. «أطعنا» در آیه ۵۱؛ ۲. «يطع» در آیه ۵۲؛ ۳. «طاعة» در آیه ۵۳؛ ۴ و ۵ و ۶. «اطيعوا» (۲ بار) و «تطيعوه» در آیه ۵۴؛ ۷ و «اطيعوا» در آیه ۵۶.

تلاقی هفت تکرار برای این واژگان هم خانواده با هفت آیه در این سیاق، قابل تأمل است! بر این اساس، ادعا می شود که اهمیت درک اطاعت برای فهم محور موضوعی این سیاق، بسیار مهم و ضروری است^۲.

«طوع»، رفتاری متناسب با امر و حکم، همراه با میل و فروتنی است؛ بر این اساس، این ریشه دارای سه قید است: میل و رغبت، فروتنی و خضوع، و رفتار منطبق با امر. هنگامی که تمایل و رغبت وجود نداشته باشد، «کراهت» ایجاد می شود که در تضاد با «طوع» قرار دارد^۳. بنابراین، پندار و گفتار و کردار مؤمنان صالح در برابر حکم خداوند و پیامبر، پذیرش و اطاعت مشتاقانه است؛ اطاعتی که رستگاری آنها در گرو آن است^۴. در همین امتداد است که خشیت الهی و تقوا، در همه ارکان و عرصه های زندگی مؤمنان صالح حضور یافته، آنها را به پیروزی و برتری می رساند^۵.

از سیاق آیات ۵۴ و ۵۵ سوره نور نیز، چنین برداشت می شود که حاصل ایمان و مفهوم عمل صالح، همان اطاعت از خداوند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ بیان اطاعت از

۱. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، ص ۵۶.

۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۴۵.

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۳۸.

۴. بنگرید به: نور/ ۵۱.

۵. بنگرید به: نور/ ۵۲.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در کنار اطاعت از خداوند، بر مقام شامخ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دلالت دارد که با توجه به آیه ۵۶ سوره نور، اطاعت از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در صورت ایمان به رسالت او از سوی خدا، همان اطاعت از الله است! همان طور که در تعلیم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بر زراره چنین بیان شده است: ^۱ «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ؛ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي» ^۲.

بر این اساس، در سلسله مراتب معرفتی حاصل از این تعلیم آسمانی، آغاز راه همان هدف نهایی است که «معرفت خداوند» است؛ در همین امتداد، در قوس صعودی معرفت، دین داری معطوف به شناخت امام و شناخت امام معطوف به شناخت پیامبر و شناخت پیامبر معطوف به شناخت خداوند متعال است، و در قوس نزولی معرفت، شناخت خداوند متعال، اصلی است که دیگر معارف از آن آغاز می‌شوند و به آن بازمی‌گردند! در همین امتداد، دین مرضی که خداوند وعده استقرار بدون اضطراب و تزلزل آن را داده است ^۳، همان صراط مستقیم معرفت حجت و رسول، در پرتو معرفت خداوند است؛ دین کامل و نعمت تمام اسلام ^۴.

با تدبّر در مجموعه آیات سوره نور، مشخص می‌شود که بخش قابل ملاحظه‌ای از آیات این سوره، به مباحث خانوادگی اختصاص یافته است. نام سوره نیز برگرفته از آیه ۳۵ آن است که معروف به آیه نور است ^۵. به تعبیری در آیه ۳۶ از این سوره، تأکید بر

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. بار الها! خود را به من بشناسان؛ زیرا اگر تو را نشناسم، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان؛ زیرا اگر پیامبرت را نشناسم، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر حجتت را نشناسم، از دینم گمراه خواهم شد.

۳. بنگرید به: نور/ ۵۵.

۴. بنگرید به: مائده/ ۳.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۰.

خانه‌هایی است که شرایط ذکر اسامی پروردگار در آنها فراهم می‌شود، به طوری که بامدادان و شامگاهان برای پروردگار، در خانه‌هاشان تسبیح می‌گویند. این خانه‌ها زمینه‌ساز تربیت انسان‌های شرافتمندی است که تجارت و کسب و کار، آنها را از ذکر خداوند و برپایی نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد؛ مؤمنانی که از برپایی قیامت بیمناک‌اند و همواره زندگی خود را با شاخص‌های اخروی رصد می‌کنند.^۱ این انسان‌های شرافتمندند که صادقانه به وعده خود با خداوند پایبندند؛^۲ صداقتی که زمینه‌ساز شناخت قضا و امر خداوند و پیامبر اوست.^۳

بر اساس آیه ۵۶ از سوره نور، اطاعت از پیامبر، حاصل معرفتی ژرف است که رحمت خداوند را در پی دارد. برپایی نماز و پرداخت زکات، نیز مقدمه‌ای است برای ساختن جامعه‌ای سالم که در پرتو اطاعت همه‌جانبه از پیامبر شکل می‌گیرد؛ بنابراین، هرگونه تلاش برای مخدوش ساختن منزلت «اسوه حسنه» بودن پیامبر اکرم^۴، کفر و مستوجب آتش خواهد بود^۵؛ زیرا، این رفتار از تحریف مسیر شناخت خداوند ناشی شده، مسیر امام‌شناسی و دین‌داری را مخدوش می‌سازد. این نکته بسیار مهم است که خداوند بر پیامبر اکرم درود خاص و ویژه (صلوات) فرستاده و در این مسیر، فرشتگان نیز با او همراهی می‌کنند و امر می‌فرماید که ای مؤمنان! شما نیز بر پیامبر گرانقدر ما درود بفرستید و در همه حال از او پیروی کنید.^۶ بر این اساس، صلوات بیانگر جایگاه اهمیت پیامبر خاتم^{صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ} و اهل بیت ایشان^{عَلَيْهِمُ السَّلَامُ} است. پس، جامعه‌ای که به درک جایگاه ایشان در آفرینش دست یابد، در اوج کمال قرار دارد. بنابراین، می‌توان هدف از انتظار و ظهور را

۱. بنگرید به: نور / ۳۷.

۲. بنگرید به: احزاب / ۲۳.

۳. بنگرید به: احزاب / ۳۵-۳۶.

۴. بنگرید به: احزاب / ۲۱.

۵. بنگرید به: نور / ۵۷.

۶. بنگرید به: احزاب / ۵۶.

تلاشی برای معرفی جایگاه اسوه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آفرینش دانست. در همین امتداد استدلال می‌شود که ظهور وسیله‌ای برای هدفی برتر است؛ مقدمه‌ای برای ورود به خانه از درب آن؛ به گونه‌ای که باب‌های متعالی و متوالی فهم را بر ساکنان خانه‌های نورانی جامعه اسلامی باز نماید.

در آخرین رکوع سوره نور (۶۴-۶۲)، فرمان بری از امر رسول الله، معادل با ایمان تلقی گشته و تأکید شده است که مخالفت با امر پیامبر، فتنه‌انگیز است و مخالفان را گرفتار عذاب دردناک می‌کند. فتنه، هر آن چیزی است که به اختلال همراه با اضطراب منجر شود^۱. بنابراین، سرپیچی از امر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اختلال همراه با اضطراب را برای انسان به همراه دارد و به زندگی دردناک برای مخالفان می‌انجامد. توجه شود که در زبان قرآن، دنیا و آخرت از یکدیگر جدا نیستند و زندگی آکنده از ستمگری و تولید درد در دنیا، معادل با درک عذاب الیم در آخرت است! براین اساس، از آیه ۶۳ سوره نور چنین استنباط می‌شود که راه دستیابی به تعادل و کاستن از دردهای جامعه انسانی، پیروی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ پیامبری که بر اساس آیه ۴ از سوره قلم، دارنده «خُلُقٍ عَظِيمٍ» است؛ او که بر اساس آیه ۷ از سوره حجرات در میان ماست و خداوند در آیه ۲ از سوره حجرات به اهل ایمان امر می‌کند که حتی در هنگام سخن گفتن، به این حقیقت بیندیشید که او در میان شماست و تلاش کنید که صدای شما، بالاتر از صدای او نباشد! براین اساس، معیار اعتبار همه حرکت‌های ایمانی، شیوه سلوک رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که پیشی گرفتن از او مردود است و عقب ماندن و دور شدن از او، باطل است^۲. از سویی، تأسی به «خُلُقٍ عَظِيمٍ» پیامبر، مستلزم تدبیر در آیات قرآن کریم است؛ با این باور که قرآن معرف او و معرف قرآن است^۳، «كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ»^۴.

۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۲۳.

۲. بنگرید به: حجرات / ۱.

۳. ابن اثیر جزری، مبارک، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۲، ص ۷۰.

۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۴۰. اخلاق او، سراسر قرآن بود.

معرفت امام زمان در پرتو معرفت رسول الله ﷺ با تدبّر در حدیث ثقلین

در غدیر خم، پیامبر اکرم ﷺ اعلام فرمود: ^۱ «مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَ بِاتِّبَاعِهِ»؛^۲ برای این اساس، در میان امت دو میراث گران بار قرار داد که پیروی از صراط مستقیم، مستلزم تمسک به هر دو است. از آن میان، قرآن کریم «ثقل اکبر» و اهل بیت عليهم السلام «ثقل اصغر» نامیده می شود.^۳

از دلالت های وثیق حدیث شریف ثقلین بر معرفت مقام شامخ رسول الله آن است که این دو حقیقت گران بار برای استمرار حرکت ایشان در راستای تحقق امرهدایت در نظر گرفته شده است؛ امری که حضرت ختمی مرتبت عليه السلام، به تنهایی عهده دار آن بود! بر اساس آیه ۸۷ از سوره حجر خداوند متعال، بر پیامبر اکرم ﷺ «سبع مثانی» و «قرآن عظیم» را عطا فرمود و این نشان از عالی ترین حد ظرفیت انسانی دارد. در همین امتداد، شاید بتوان گفت که بر اساس آیه ۲۳ از سوره زمر سبع مثانی، همین قرآن مجید است که میراث «اکبر» پیامبر اکرم ﷺ است و فهم حقیقت آن، امری خطیر و منوط به افاضه خداوند متعال است.^۴ اهل بیت گرامی پیامبر ﷺ نیز با منزلت تعلیم و تفسیر قرآن و آگاهان به احکام و اوامر و نواهی خداوند متعال، هادی عامه مردم اند؛ راهبران پاک سیرتی که در پرتو اراده الهی^۵ و تأسی به پیامبر اکرم ﷺ، خود صراط مستقیم اند؛ با شأن و منزلتی که رسول الله ﷺ در خطابه غدیر بر آن تصریح نموده است.^۶

در همین امتداد، پیامبر اکرم ﷺ در روز اکمال دین، آینده امت اسلامی را ترسیم فرمود و ویژگی های ائمه هدایتگرو جانشینان برحق خویش عليهم السلام را در پرتو آیه نوراعلام

۱. طباطبایی نسب، سید محمدرضا، برآستان غدیر، ص ۷۷.

۲. ای مردم! من آن صراط مستقیم خداوندم که خداوند به پیروی از آن فرمان داده است.

۳. طباطبایی نسب، سید محمدرضا، همان، ص ۶۲.

۴. این بخش از بحث، حاصل استفاده از محضر دکتر محمد علی لسانی فشارکی است.

۵. بنگرید به: احزاب / ۳۳.

۶. طباطبایی نسب، سید محمدرضا، برآستان غدیر، ص ۷۷.

داشت و در ادامه خطبه در معرفی حضرت مهدی عجل الله فرمود:

آگاه باشید که آخرین امام امت هم از خاندان ما است و او قائم مهدی است که درود خداوند بر او باد! آگاه باشید او بر همه ملت‌ها با ادیان گوناگون پیروز می‌گردد؛ او از ستمگران انتقام می‌گیرد؛ او همه دژها را فتح نموده، ویران می‌گرداند؛ او مشرکان را از هر نژاد و ملّتی باشند نابود می‌نماید؛ او انتقام خون دوستان خدا را می‌گیرد؛ او یاور دین خداوند عزّ و جل است؛ او کشتیبان دریای مّوّاج و سامان بخش زندگی متلاطم خلاق است؛ او فضل و برتری دانایان و جهل و بی‌خردی نادانان را می‌داند؛ او برگزیده خداوند است؛ او وارث کل دانش و محیط به آن است؛ او گزارش‌دهنده فرمان خداوند عزّ و جل است و احکام الهی را روشن می‌نماید؛ او راست‌کردار و درست‌کار است و در انجام امور پایدار و استوار است؛ امور آفریدگان به او تفویض شده است؛ پیامبران گذشته همه به وجود او بشارت داده‌اند؛ او آخرین حجّت خداوند است و بعد از او حجّتی نخواهد بود و در جهان حقّی نیست مگر با او و نور علم و دانشی نیست مگر نزد او؛ هیچ‌کس بر او پیروز نمی‌گردد؛ او ولیّ خدا در زمین است و حکم و فرمان او، حکم و فرمان خداوند است و پروردگار او را به اسرار آفرینش خود از پنهان و آشکار، آگاه ساخته است.^۱

در پرتو آیات سوره عصر و سنّت قطعی اهل بیت، حق‌گرایی اصلی اساسی در رفتارهای مؤمنان صالح است. بنابراین، آن حق‌مبنایی که دیگر حقوق بر آن اساس تعریف می‌شوند، حقّ خداوند است. همان‌طور که در فرازهای خطبه غدیر مشاهده می‌شود، بزرگ‌ترین وظیفه و تکلیف امام زمان عجل الله نیز، تأدیه حقوق است؛ حقوقی که با غفلت امت اسلامی از هشدارهای دلسوزانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر و با حاکمیت پیشوایان گمراه سوق دهنده به سوی آتش و جایگزینی خان‌ها و درباریان به جای رادمردان عصمت‌پیشه^۲، تضييع شد و خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای

۱. فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۶۴.

۲. طباطبایی‌نسب، سید محمد رضا، برآستان غدیر، ص ۷۵.

کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی؛ پس، مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق آن را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دریافت کرده بودند و ندای «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ» در گوششان بود با بهانه‌های گوناگون و توطئه‌های از پیش تنیده شده، پس زدند و با ظاهر قرآن، حقیقت قرآن را (که برای جامعه بشری تا زمان ورود به حوض، بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی است)، از صحنه خارج کردند و مسیر نیل به حکومت عدل الهی را منحرف ساختند و سبب گمراهی از دین خدا و کتاب و سنت الهی شدند و کار به جایی رسید که قلم از شرح همه آن شرمسار است^۱.

آینده‌نگری در پرتو هدایت قرآن و اهل بیت علیهم السلام

تصویر آینده مطلوب در اندیشه شیعه، آینده‌ای است که در پرتو هدایت قرآن کریم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان شکل می‌گیرد؛ آینده‌ای پاکیزه از خصلت‌های ناروای اخلاقی و به دور از گناه و عصیان و نفاق و آراسته به صفات زیبا و پسندیده و نیکوی اخلاقی.

در واقع آینده مطلوب در اندیشه اسلامی، آینده‌ای است که در پرتو روایت معروف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «إِنِّي بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» شکل می‌گیرد. آینده‌ای که به تدریج با همت و جدیت عامه مردم متجلی می‌شود و توسعه می‌یابد. بنابراین رویکرد جامعه اسلامی به آینده، رویکردی ارزشی و هنجاری است؛ رویکردی که همه آحاد جامعه را موظف می‌سازد تا با رعایت اصول، پندار، گفتار و کردار اخلاقی و پسندیده، آینده را با سرشتی اخلاقی ترسیم نماید.

در این امتداد، عمل اخلاقی و وظیفه همه مسلمانان است و رفتار عادلانه ضروری بقا و حفظ دین و انتظار، مقوله‌ای هدفی - کیفی را تداعی می‌کند که در صورت تحقق، جامعه‌ای اخلاقی و سالم را برای جهانیان به ارمغان می‌آورد.

۱. وصیتنامه امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۱۳.

در این چشم‌انداز، جامعه پس از ظهور جامعه‌ای اخلاقی است که وعده پنهان در روایت مکارم الاخلاق را نمایان می‌سازد و آنچه قرار بود به حکم خداوند و اراده او از بعثت تحقق یابد، تحقق خواهد یافت.

این مهم باید با همکاری آگاهانه همه آحاد جامعه تحقق یابد؛ همکاری برای تحقق شهر عدل و شهر اخلاقی.

نتیجه‌گیری

بر اساس روایت مکارم الاخلاق، آنچه خداوند متعال برای تکامل جامعه بشری، هدف قرار داده است، شهر عدل اخلاقی است؛ شهری که در آن به کسی ظلم نمی‌شود و کسی از مسیر عدل منحرف نمی‌گردد. تحقق چنین شهری، مستلزم عزم عمومی و تغییر ساخت ارزش‌ها، آرمان‌ها و حتی گفتمان‌های اجتماعی است، به نحوی که از پندار و گفتار و سپس در کردار آحاد جامعه نمایان گردد. شیوع گفتمان اخلاق و عدالت در فضای بین‌الذهانی جامعه، مقدمه شکل‌گیری تمدنی است که در آن مهم‌ترین و والاترین خواسته آحاد جامعه، نیل به شأن و مرتبه رضا و تسلیم در برابر اراده عظیم و صریح و تغییر ناپذیر الهی است. شأن و منزلتی که هر چند در قالب اصطلاح «کمال مکارم الاخلاق» خلاصه شده است، ولی بر تجلی همه اسمای حسنا و خداوندی بر ارکان جامعه انسانی دلالت دارد و مستلزم نفی و نهی هر چیزی است که خداوند بر جامعه انسانی نمی‌پسندد و ایجاب و رواداری هر چیزی که خداوند بر جامعه انسانی می‌پسندد و بلکه واجب و ضروری ساخته است.

منابع

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاییة فی غریب الحدیث والأثر*، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷ ش.
۲. پورعزت، علی اصغر، «ضرورت توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود»، *انتظار موعود*، شماره ۸، ص ۱۵۱-۱۶۸.
۳. _____، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق‌فعال انتظار شهر

- عدل در ایران» *کمال مدیریت*، ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، ش ۸ و ۹.
۴. صمدی، قنبرعلی، «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، *مشرق موعود*، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۸ ش.
۵. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، انتشارات دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۶. طباطبایی‌نسب، سید محمدرضا، *برآستان غدیر*، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی نور الائمه علیهم‌السلام.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
۸. فیض کاشانی، ملامحسن، *تفسیر الصافی*، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. لسانی فشارکی، محمدعلی و حسین مرادی زنجانی، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، بوستان کتاب، قم، ۱۳۹۱ ق.
۱۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. موسوی، سیدمهدی، «تربیت سیاسی در پرتوانتظار»، *مشرق موعود*، سال دوم، ش ۶، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. مهاجرنیا، محسن، «گفتمان‌های انتظار»، *حصون*، ش ۱۲، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. *وصیتنامه امام خمینی رحمته‌الله؛ با توضیحات و ۲۱۸ پرسش و پاسخ*، ویژه دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، تدوین علی‌رضا اسماعیلی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران، ۱۳۸۴ ش.